

نقش کوفیان در شکل‌گیری واقعه کربلا از منظر شعر فارسی و عربی

دکتر ناصر قاسمی^۱

حمید رهی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۲۱

چکیده

از عوامل اصلی پیدایش واقعه عظیم و دردناک کربلا که طبیعتاً در شعر عاشورایی سرایان دیده می‌شود، مسأله کوفه و ویژگی‌های مردم این شهر است. اگرچه این موضوع، قبل از واقعه عاشورا نیز مورد توجه بوده است، اما در شهادت امام حسین (ع) و اصحاب ایشان جلوه نمایان‌تری دارد. از مهم‌ترین دوره‌های ادبی جامعه عرب، که در آن به واقعه کربلا توجه ویژه‌ای شده، عصر عباسی است. نزد فارسی‌زبانان نیز، از مهم‌ترین دوره‌هایی که شاعران به این جریان پرداخته‌اند، دوره بازگشت ادبی است.

پژوهش حاضر، با استفاده از مکتب آمریکایی با هدف بررسی وجوه تشابه و تفاوت زاویه نگاه شعر فارسی دوره بازگشت و شعر عربی عصر عباسی و بررسی مضامین مشترک در باب نقش کوفیان در شکل‌گیری واقعه کربلا از منظر شعر شاعران این دو دوره، صورت گرفته است. شاعران دو دوره، دنیاطلبی، بی‌وفایی، کینه توزی، فریب‌کاری و نفاق کوفیان را از عوامل اصلی شکل‌گیری واقعه کربلا دانسته‌اند. نکته دیگر

۱. عضو هیات علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران naserghasemi@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب Hamid.rayatolabbas@gmail.com

اینکه شاعران عرب، عموماً با زبان تند و صریح درباره کوفیان سخن گفته‌اند درحالی که فارسی‌زبانان دوره بازگشت، بیشتر از زبان تعریض و کنایه بهره برده‌اند. از دیگر تفاوت‌ها اینکه دقت نظر شاعران عرب، در استفاده از کلمات و تعابیر به کاررفته در شعر، بیش از فارسی‌زبانان بوده است.

کلیدواژه‌ها: واقعه کربلا، کوفیان، دوره بازگشت ادبی، عصر عباسی، ادبیات تطبیقی.

مقدمه

حادثه عظیم عاشورا و هرآنچه با این واقعه دردناک تاریخی مرتبط است همواره در ادبیات، مورد توجه بوده است. حادثه‌ای که اگرچه در جامعه‌ای عربی اتفاق افتاد، اما عواطف و احساسات ملل و ادیان گوناگون را برانگیخت و در ادبیات جوامع مختلف به ویژه نزد ایرانیان و ادب فارسی، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داد. همین امر باعث شد این موضوع، در حیطه پژوهش‌های مربوط به ادبیات تطبیقی جای گیرد و یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین مباحث آن را تشکیل دهد.

هرگاه سخن از واقعه کربلا به میان می‌آید، یکی از مسائلی که همواره درباره آن بحث می‌شود و از آن به عنوان یکی از اصلی‌ترین دلایل شکل‌گیری این حادثه یاد می‌شود، مسأله کوفه و کوفیان است. در ادبیات عاشورایی نیز، همواره مردم کوفه مذمت شده‌اند و ویژگی‌های منفی آن‌ها، از عوامل اصلی تقویت حکومت اموی و تنهایی و غربت اهل بیت پیامبر(ص) ذکر شده است.

در ادبیات فارسی، یکی از دوره‌هایی که در آن، اندیشه‌های مذهبی در مدح و مرثیه اهل بیت (علیهم‌السلام) جلوه می‌کند، دوره بازگشت ادبی است. شاعران این دوره، بیش از دوره‌های پیش، به موضوعات مذهبی - که در رأس آن، رثای حضرت سیدالشهدا(ع) و یاران ایشان است - می‌پردازند.

اما در ادبیات عرب، دوره‌ای که شاعران، بیش از پیش به این مقوله پرداختند، عصر عباسی بود. از آنجاکه بعد از واقعه عاشورا، فضای اختناق توسط حکومت اموی حاکم

شد، زمینه‌ای برای سرودن شعر عاشورایی وجود نداشت. اما با روی کار آمدن عباسیان - با توجه به اینکه عباسیان ادعای دوستی و خویشاوندی با اهل بیت و مخالفت با سیاست‌های امویان داشتند - این فرصت برای شاعران فراهم آمد تا واقعه عظیم عاشورا و عوامل شکل‌دهنده آن را به تصویر بکشند و به دفاع از قیام حسینی و مقابله با اسلام یزیدی بپردازند.

در این مقاله به بررسی اشعار شاعران این دو دوره در ادبیات فارسی و عربی، درباره یکی از مضامین مهم حوزه عاشورایی، یعنی نقش کوفیان در شکل‌گیری واقعه کربلا، می‌پردازیم. بدیهی است در این مقاله، از شاعرانی استفاده شده است که در اشعار خود، به صورت قابل توجهی به مسأله کوفه ویژگی‌های مردم کوفه پرداخته‌اند.

۱. سوالات اصلی

نگاه شاعران عصر عباسی و دوره بازگشت ادبی در شعر خود، به کوفیان چگونه بوده است؟

شاعران این دو دوره ادبی، چه ویژگی‌هایی از کوفیان را زمینه‌ساز واقعه کربلا دانسته‌اند؟

وجوه اشتراک وجوه تمایز در شعر شاعران این دو دوره، در باب بیان ویژگی‌های کوفیان کدام‌اند؟

۲. پیشینه پژوهش

بیشتر کتاب‌هایی که در آن مسأله کوفه و کوفیان مطرح شده است، در لابه‌لای پژوهش‌های عاشورایی، به این مبحث پرداخته‌اند، اما کتاب‌های مستقلی که صرفاً درباره کوفه نوشته شده نیز وجود دارد که عبارت‌اند از:

کوفه و تحولات تاریخی دوران امام علی و حسنین (علیهما السلام)، فاطمه حبیبی، ۱۳۸۹، تهران: برهان دانش.

در این کتاب ضمن بیان علل پیدایش کوفه، مهم‌ترین وقایع زمان خلافت حضرت

علی(ع) و تحولاتی که بعد از انتقال مرکز خلافت از مدینه به کوفه رخ داد - یعنی خلافت و امامت امام حسن(ع) - تشریح می‌شود. حادثه ورود «مسلم بن عقیل» پس از مرگ معاویه و خلافت یزید و سرانجام مبارزه با عوامل حکومت بنی‌امیه در کوفه به همراه جریان حرکت امام حسین(ع) از مدینه به سوی عراق تحلیل می‌شود.

جغرافیای تاریخی کوفه، لویی ماسینیون، ترجمه: عبدالرحیم قنوت، ۱۳۸۸، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

نویسنده در این کتاب، از تأسیس کوفه شروع می‌کند و سپس از راه‌ها، مقبره‌ها، نقشه اقتصادی شهر، دارالاماره، مساجد کوفه، محله مشهور کناسه، نجف و مزار امام علی(ع) سخن گفته است. آنچه به کار نویسنده اهمیت می‌بخشد، این است که او علاوه بر مراجعه به متون و منابع مکتوب، طی دو سفر به کوفه، از آثار باقی مانده در این شهر بازدید کرده و در عراق به حفاری‌های باستان‌شناسی دست زده است.

اما مقاله‌هایی که درباره مسأله کوفه و مردم این شهر، نوشته شده است عبارت‌اند از: «کوفیان در عصر امام حسین»، سید حسین فاطمی، مجله نامه تاریخ پژوهان، شماره ۴، زمستان ۸۴

«وضعیت اجتماعی کوفه در آستانه قیام امام حسین»، سعید نجفی‌نژاد، فصلنامه تاریخ، شماره ۳۷، پاییز ۹۴

«نوع‌شناسی رفتار سیاسی مردم کوفه در آستانه قیام عاشورا»، سیمین قربان‌پور، مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۴، پاییز ۹۰

«چشم‌اندازی به ساختار فرهنگی سیاسی کوفه در آستانه قیام عاشورا»، ابوالفضل هادی منش، مجله مبلغان، شماره ۹۹، دی و بهمن ۸۶

اما مقاله‌ای که در آن صرفاً به موضوع ویژگی‌های کوفیان از منظر شعر پرداخته باشد، وجود ندارد.

۳. روش پژوهش

در این مقاله، از مکتب آمریکایی (یکی از مکاتب حوزه ادبیات تطبیقی) استفاده

شده است. مکتب آمریکایی به دنبال ارتباط تاریخی نیست. از نظر این مکتب، محقق نباید به دنبال شرط تأثیر و تأثر باشد؛ به عبارت دیگر، این میدان، میدان تشخیص زیبایی است نه پژوهش‌های تاریخی برای یافتن مؤثر و متأثر. از این رو این مقاله به بررسی مضامین شعری دوره بازگشت ادبی و عصر عباسی، درباره ویژگی‌های کوفیان و نقش آن‌ها در شکل‌گیری حادثه کربلا پرداخته و در پرتو مکتب آمریکایی، به بررسی وجوه تشابه و تفاوت این دو پرداخته است (رک. علوش، ۱۹۸۷: ۹۳-۹۶ و عبود، ۱۹۹۹: ۴۵-۴۸).

۴. ضرورت و اهمیت پژوهش

همواره کوفیان با صفات ناشی از ضعف روحی، در اذهان عمومی قرار گرفته‌اند که علل آن در پژوهش‌های تاریخی، بیان شده است. از آنجاکه گستره فضای شعر عاشورایی، به قدری است که تمام زوایای این واقعه عظیم تاریخ را در خود جای دهد، لازم به نظر می‌رسد که نگاه شاعران را درباره مسأله کوفه و ویژگی‌های مردم کوفه و نقش آن‌ها در ایجاد حادثه کربلا بررسی شود تا بهتر بتوان دلیل منفی‌نگری به کوفیان را درک کرد.

۵. درباره دوره بازگشت ادبی

«بازگشت ادبی» نهضتی بود که از نیمه دوم قرن دوازدهم تا اوایل قرن چهاردهم هجری قمری، فضای ادبی ایران را تحت تأثیر قرار داد. در اواخر دوره صفوی، شاعران برای ادامه فعالیت هنری خود به هندوستان رفتند و در کنار شاعران آن سرزمین، سبکی به نام «سبک هندی» پدید آوردند. به این ترتیب، رفته رفته شعر و ادبیات از انحصار دربار خارج شد و در میان مردم کوچه و بازار رواج یافت. اما پس از مدتی، نازک‌اندیشی، افراط در خیال‌پردازی و اصرار بر صنعت‌گری‌های زبانی، سبک هندی را به سبکی گنگ و پیچیده تبدیل کرد و آن را از رونق انداخت. در برهه‌ای از زمان نیز هنر، در حالت فترت و سستی قرار داشت؛ تا آنکه در دوره آقامحمدخان قاجار، با برقراری آرامش نسبی در کشور

و اجتماع گروهی از ادیبان و هنرمندان در نواحی مختلف به ویژه اصفهان، شیراز و خراسان، بار دیگر، انجمن های ادبی راه اندازی شد (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۲۶۱). شاعران و نویسندگانی که در این انجمن ها رفت و آمد داشتند، از پیچیدگی و گنگی سبک هندی خسته بودند و تصمیم گرفتند با نگاه به آثار شاعران بزرگ گذشته سبک آن ها را احیا کنند (خاتمی، ۱۳۷۴: ۲۰۷).

میرسید علی مشتاق اصفهانی، سید محمد شعله اصفهانی و میرزا محمد نصیرالدین اصفهانی از پایه گذاران اصلی این انجمن ها بودند. همچنین افرادی همچون آذر بیگدلی، هاتف اصفهانی، صباحی بیدگلی و صهبای قمی از دست پروردگان این گروه بودند (آرین پور، ۱۳۷۹: ۱/۱۳).

در زمان فتحعلی شاه قاجار، به دلیل فضای سیاسی و فرهنگی مناسب و قریحه شاعری شخص شاه، این انجمن ها رونق بیشتری یافتند. از این رو، شاعرانی همچون مجمر کاشانی، فتحعلی خان صبا و نشاط اصفهانی دور شاه جمع شدند و «انجمن خاقان» - که تخلص شاه بود - را به راه انداختند. آن ها با تقلید از شاعران سبک های عراقی و خراسانی، به ابتدال و انحطاط سبک هندی پایان دادند و به روش پیشینیان بازگشتند و نهضتی را پدید آوردند که بعدها نهضت «بازگشت ادبی» نامیده شد.

برخی از محققان، بازگشت ادبی را به دو دوره تقسیم می کنند: دوره اول توجه به سبک عراقی و تقلید از شاعران مشهور این سبک و دوره دوم: توجه به سبک خراسانی و تقلید از شاعران این سبک در کنار توجه به سبک عراقی (خاتمی، ۱۳۷۴: ۲۰۱). شاعرانی که مورد توجه سرایندگان نهضت بازگشت ادبی قرار گرفتند عبارت بودند از: رودکی، فرخی، انوری، خاقانی، منوچهری، فردوسی، ناصر خسرو، نظامی، مولوی، سعدی و حافظ (همان: ۲۱۱).

اما بازگشت ادبی را نمی توان در زمره سبک های ادبی جای داد؛ چراکه تقریباً هیچ گونه نوآوری در آن به چشم نمی خورد و اساس این نهضت بر تقلید بود. شاید کلام مهدی اخوان ثالث حق مطلب را بهتر ادا نماید: «نهضت بازگشت، فقط مانند کودتایی بود برای ساقط کردن سلطنت انحصاری دودمان سبک هندی - که همه از آن به تنگ آمده بودند

- و ایجاد ملوک الطوائفی در شعر و ادب. با این تفاوت که هیچ چهره درخشان تراز چهره‌های پیش پیدا نکرد. سهل است که حتی مثنوی آدم‌های دروغین به وجود آورد: سعدی دروغین، سنایی دروغین، منوچهری دروغین و دیگر و دیگران (اخوان ثالث، ۱۳۳۶: ۶۶۰).

به گفته محمد رضا شفیعی کدکنی، این عصر، عصر مدیحه‌های تکراری است و شاعران این دوران کاریکاتور شاعران قرون گذشته هستند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۹). با وجود این، به سبب دقت فراوان در شعر گذشته‌گان و روشن کردن نقاط قوت و ضعف این اشعار می‌توان گفت شاعران نهضت بازگشت نخستین سبک شناسان زبان فارسی بودند و به نوعی این دوره، پایه‌گذاری نقد ادبی در دوران معاصر بوده است که این خدمت آنان به ادبیات فارسی قابل ستایش است.

همچنین در میان اشعار شاعران عصر بازگشت، باورها و اندیشه‌هایی همچون باورهای مذهبی منعکس شده در مدح و مرثیه ائمه اطهار (علیهم السلام) دیده می‌شود که در سده‌های گذشته و در شعر متقدمان یا سابقه نداشته و یا نادر است (مؤتمن، ۱۳۷۲: ۱۸۳). اشعار عاشورایی شاعرانی همچون صباحی بیدگلی، وصال شیرازی، سروش اصفهانی، وقار شیرازی، محمود خان صبا و ادیب الممالک فراهانی، که نمونه‌هایی از آن ذکر خواهد شد، گویای این مسأله هست.

۶. شعر عاشورایی در عصر عباسی

عظمت و جاودانگی امام حسین (ع) و نهضتی که بنیان نهاد، همچنین تأثیراتی که واقعه عاشورا در فکر و احساس بشریت ایجاد کرد، شاعران عصر عباسی را بر آن داشت تا به بازتاب این مهم در ادبیات این دوره - با زنده نگه داشتن این الگوهای قهرمانی و حماسه بی نظیرشان - اهتمام نمایند. عاشورایی سرایان عصر عباسی با بیان مصائب حسین (ع) و حمایت از قیام حضرت، دلاورانه وارد عرصه شعر و ادب شدند. سید اسماعیل حمیری، دعبل خزاعی، منصور نمری، عبدی کوفی و ده‌ها شاعر دیگر کوشیدند این مشعل را فروزان تر کنند.

عصر عباسی دوم نیز که به دوران شکوفایی شعر و ادب شهرت دارد، تعدادی از بهترین شاعران حسینی را در خود پرورانده است. در این عصر، که شامل قرن چهارم تا ششم است، چهره‌هایی مانند صنوبری، کشاجم، ابوفراس، ابن هانی، شریف رضی، مهیار دیلمی و... درخشیدند و آثار ماندگاری از خود به جای گذاشتند. البته رثا در عصر عباسی دوم متحول شد و به شعرگریه و ناله و خالی از روح مبارزه طلبی و مقاومت خونخواهی تبدیل شد که البته باید شعر کسانی همچون شریف رضی را از این گروه، مستثنی کرد (شمس الدین، ۲۰۰۸: ۲۴۰).

از رایج‌ترین ویژگی‌های شعر عاشورایی در دوره عباسی، رثا و نوحه سرایی است. اندیشه رستگاری و نجات در آخرت، یکی دیگر از ویژگی‌های شعر رثای حسینی در این دوره است که نمونه آن در شعر صنوبری دیده می‌شود (شیر، ۱۹۸۸: ۳۰/۲). همچنین قرن دوم هجری آغاز شکل‌گیری موضوع انتقام و خون‌خواهی مهدی موعود (عج) و تبدیل شدن آن به عنصری اساسی در شعر رثای حسینی بوده است، که نمونه آن در شعر دعبل خزاعی مشهود است (الدجیلی، ۱۹۸۹: ۱۴۳). شعر برخی از شاعران نیز لبریز از خشم و نفرت از امویان و کینه توزی از عباسیان است که نمونه آن، شعر منصور نمری است. (دیوان منصور النمری، ۱۹۸۱: ۱۱۹).

۷. کوفیان در کلام بزرگان

پیش از اینکه بخواهیم ویژگی‌های کوفیان و تأثیر آن‌ها را در به وجود آمدن واقعه کربلا از منظر شعر بررسی کنیم، نگاه بزرگان به ویژه ائمه اطهار (علیهم السلام) را به کوفیان از نظر می‌گذرانیم. آنچه از بررسی سخنان بزرگان دیده می‌شود، این است که اگرچه در برخی متون حدیثی و تاریخی، ستایش کوفیان به چشم می‌خورد اما غالباً کوفیان با ویژگی‌های منفی همچون دنیاگرایی و سستی در جهاد و راسخ نبودن در عقیده و... یاد شده‌اند. آنجا که کوفیان به دلیل خستگی، در مقابل غارت‌ها و شبیخون‌های شامیان به مناطق مختلف قلمرو حکومت علی (ع) سستی کردند و همین امر، باعث توبیخ و شکوه حضرت علی (ع) از آنان شد که فرمود: «کأنتی أنظر إليکم تکفون کثیث الضباب لا

تأخذونَ حَقًّا وَ لَا تَمْنَعُونَ ضَمِيمًا؛ شما را همچون کفتارها و سوسمارهایی می بینم که هنگام احساس خطر به لانه های خود می خزند (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳).

امام حسین (ع) دنیاداری و دنیا طلبی را وجه غالب گرایش مردم عصر خود، به ویژه کوفیان، معرفی می کنند: «النَّاسُ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لِعَقِّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَانِئُهُمْ فَإِذَا مُخِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ» (قمی، ۱۳۷۴: ۲۱۹)؛ مردم بندگان دنیایند و دین، تنها بر زبان آن ها جاری است، تا زمانی که معیشت آن ها برقرار باشد، دین دارند اما هرگاه در امتحان افتند، دین داران اندک خواهند بود.

کوفیان، مردمانی هستند که امام صادق (ع) درباره آن ها فرمود: «وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَن عَرَّتَهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى وَ شَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَ تَعَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ...» (طوسی، ۱۳۷۶: ۱۲۶). بر ضد ایشان (امام حسین (ع) کسانی هم دست شدند که دنیا آنان را فریفت و بهره خود را به قیمتی ناچیز و پست معامله کردند و آخرتشان را به بهای ناچیز فروختند و تکبر و گردن فرازی کردند و اسیر هوای نفس خود شدند.

در مطالعه تاریخ کوفه به عباراتی از شخصیت های بزرگ برمی خوریم که کوفیان را مردمانی فریبکار توصیف می کنند. عبدالله بن عباس در گفتگو با امام حسین (ع) از روی خیرخواهی می گوید: «إِنَّ أَهْلَ الْعِرَاقِ قَوْمٌ عُذْرٌ فَلَا تَقْرَبْتَهُمْ» (طبری، ۱۳۵۷: ۳۸۳). عراقیان (اهل کوفه و بصره) گروهی فریبکارند، پس مبادا به آن ها نزدیک شوی. مسلم بن عقیل نیز گرفتار همین خوی کوفیان شد و در گفتگو با طوعه (زن با ایمانی که به مسلم پناه داد) گفت: «أَنَا مُسْلِمٌ بَنُ عَقِيلِ كَذْبَنِي هَوْلَاءِ الْقَوْمِ وَ غُرُونِي» (طبری، ۱۳۵۷: ۳۷۱).

از ویژگی های دیگر کوفیان، قابلیت تحریک پذیری سریع، عدم عاقبت اندیشی، تصمیم گیری آنی و پشیمانی فوری از آن، ترس از تهدیدات گروه یا جناح مخالف و داشتن روحیه متغیر بود. تاریخ نشان می دهد آنچه در این سرزمین به کار مردم نمی آمد سخنی بود که از واقع بینی و خیرخواهی برخیزد و آنچه را به جان می خریدند و فوراً منتقل می کردند، گفتاری بود که عاطفه و احساس را تحریک کند و گوینده آن با هیجان و حرارت بیشتر، آن سخنان را ادا کند. اینکه در پس آن سخنان چه هدف و غرضی نهفته باشد برای شنونده مطرح نبود (حبیبی، ۱۳۸۹: ۳۳۶). صعصعه بن صوحان درباره مردم

کوفه به معاویه چنین گفت:

کوفه قبه اسلام و جای بزرگان است اما در آنجا اوباشی هستند که نمی گذارند
مردم از بزرگان خود اطاعت کنند و این صفت مردم ظاهر دوست است
(افتخاریان، ۱۳۴۳: ۹۵).

۸. ویژگی‌های کوفیان و نقش آن‌ها در شکل‌گیری واقعه کربلا از منظر شعر

فارسی و عربی

اکنون به بررسی وجوه تشابه و تفاوت شعر فارسی دوره بازگشت و شعر عربی عصر
عباسی درباره ویژگی‌های کوفیان و نقش آن‌ها در واقعه کربلا می‌پردازیم تا مضامین
مشترک و جلوه‌های تمایز شاعران فارسی‌زبان و عرب‌زبان را، در این مقوله دریابیم.

۱-۸. همانندی‌ها

شاعران عصر عباسی و دوره بازگشت ادبی، همواره در اشعار خود به مذمت اهل کوفه
پرداخته‌اند و با صفات رذیله از آن‌ها یاد کرده‌اند. در واقع می‌توان گفت وجه اشتراک
شاعران این دو دوره، در بیان صفات ویژگی‌های کوفیان است. شاعران این دو دوره،
کوفیان را از عوامل اصلی شکل‌گیری واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) می‌دانند و
با ذمّ ویژگی‌های کوفیان، در واقع به ذمّ تفکراموی و عثمانی و دفاع از تفکر حسینی و
عاشورایی می‌پردازند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱-۱-۸. دنیاگرایی و عافیت‌طلبی

اولین و مهم‌ترین خصلتی که در اشعار شاعران به آن پرداخته شده و می‌توان گفت
زمینه‌ساز ویژگی‌های منفی دیگر نیز بوده است، دنیاگرایی و عافیت‌طلبی کوفیان هست.
وصال شیرازی، این ویژگی کوفیان را به زیبایی در شعر خود جلوه‌گر می‌کند و با تشبیه
امام حسین (ع) به سلیمان نبی (ع) بیان می‌دارد که کوفیان، برای رسیدن به ثروت دنیا،
امام خود را به شهادت رساندند:

این غیرتم گُشد که سلیمان عهد را آن دیوسیرتان پی تخت و نگین گُشد
(یزدی، ۱۳۹۴: ۵۸)



ابوفراس حمدانی (شاعر عصر عباسی) پیروی از هوای نفس را - که نمونه بارز دنیاطلبی است - عامل اصلی عاقبت به شری کوفیان می داند:

تَبَّأَ لِقَوْمٍ تَابَعُوا أَهْوَاءَهُمْ فِيمَا يَسُوءُهُمْ غَدًا عَقْبَاهُ

(الحمدانی، ۱۴۲۰: ۳۴۷)

ترجمه: مرده باد قومی که پیرو هوای نفس خود شدند که عاقبت سوء آن، فردا گریبان گیرشان شود.

اما نمونه بارز این دنیاگرایی و عافیت طلبی در شخصیت عمر بن سعد (از اشراف کوفه) دیده می شود که به طمع حکومت ری، فرماندهی سپاه یزید را پذیرفت و در مقابل امام حسین (ع) صف آرایی کرد. صباحی بیدگلی این گونه بیان می دارد که عمر بن سعد برای رسیدن به ری، اولاد پیامبر (ص) را از سرزمینشان جدا کرد و در واقع سرزمین نبوی را به خاطر رسیدن به مُلک ری، ویران ساخت:

يُثْرِبُ بِهٖ بَادٌ رَفَتْ بِهٖ تَعْمِيرُ خَاكِ شَامٍ بَطْحَا خَرَابٌ شَدَّ بِهٖ تَمْتَايَ مُلْكِ رِي
(صباحی بیدگلی، ۱۳۹۲: ۳۰۵)

شریف مرتضی - ملقب به سید مرتضی - با لحن تند و نفرین آمیز، اشاره می کند که عمر بن سعد به خاطر یک امر دنیایی و بی ارزش، پیامبر خدا و امام خود را - و در واقع آخرت خود را - فروخت:

وَيْحٌ «ابنِ سَعْدٍ عَمَرٍ» إِنَّهُ بَاعَ رَسُولَ اللَّهِ بِالتَّرْبِ

(مرتضی، ۱۴۱۷: ۱۲۹/۲)

ترجمه: وای بر عمر بن سعد، که چقدر ارزان، رسول خدا (ص) را فروخت.

۸-۱-۲. بی وفایی و بی حیایی

در عامه مردم، نام کوفی جماعت با بی وفایی و خُلف وعده عجین شده است. جماعتی که یک روز، نامه پشت نامه می نویسند و با شور و اشتیاق از امامشان دعوت می کنند و روز دیگر در مقابل امامشان می ایستند. مردمی که صف به صف گرد مسلم بن عقیل حلقه می زنند و بعد از گذشت چند ساعت، مسلم را تنها و بی پناه رها می کنند و

به پیمان خود پشت می کنند. مهیار دیلمی، دست روی این روحیه عجیب کوفیان می گذارد و آن ها را مورد عتاب قرار می دهد:

بِکُلِّ يَدٍ أَمَسَ قَدْ بَايَعْتَهُ وَ سَأَقْتُ لَهُ الْيَوْمَ أَيْدِيَ الْحَتُوفِ

(دیلمی، ۱۳۴۴: ۲۶۲)

ترجمه: با آن دستی که دیروز بیعت سپردند، امروز هیولای مرگ را به سویش رانندند. سروش اصفهانی در ترکیب بند خود، ماجرای صحبت های محمد حنفیه با امام حسین (ع) را، پیش از حرکت به سمت کوفه، به نظم درآورده است که یک بیت از آن چنین است:

بر عهد کوفیان نتوان داشت اعتماد دوری ز بارگاه رسول امین مکن

(محبوب، ۱۳۴۰: ۲/۷۳۷)

ادیب الممالک فراهانی نیز بی وفایی کوفیان را در ماجرای مسلم بن عقیل به تصویر می کشد؛ جایی که در هنگام اقامه نماز، همه از پشت سر مسلم پراکنده شدند و او در کوفه حیران و سرگردان ماند:

از صد هزار تن که ستاندند در پی اش یک تن نمانده بود چو فارغ شد از نماز
دید آن کسان که لاف هواداری اش زدند دارند این زمان ز ملاقاتش احتراز
و آنان که دامنش بگرفتند با دو دست سازند دست کین به گریبان او دراز

(فراهانی، ۱۳۵۴: ۵۶۸)

سید مرتضی این چنین بیان می کند که این قوم، وقتی از یک سوسپاه عظیم و قدرتمند شام را دیدند و از سوی دیگر، بوی سکه های عبیدالله بن زیاد به مشام آن ها رسید و تهدیدها و تطمیع های او را دیدند و احساس قدرت کردند، بر عهد و پیمان خود پشت کردند و جفا را بر وفا ترجیح دادند:

سَالَمُوا عَجْزاً فَلَمَّا قَدَرُوا شَتُّوا الْحُرُوبَا

(مرتضی، ۱۴۱۷: ۵۸)

ترجمه: هنگامی که ناتوان بودند از در صلح وارد شدند وقتی قدرتمند شدند اعلام

جنگ کردند.

۸-۱-۳. کینه توزی

تشیع در کوفه یکنواخت نبود. جمعیت اندکی از آن‌ها تشیع اعتقادی داشتند و تشیع اکثریت کوفیان، تشیع سیاسی بود که می‌توانست بر اثر حوادث سیاسی و فشار و تهدید و تطمیع، از بین برود. کاری که معاویه با سیاست‌های خود انجام داد و تفکر عثمانی و اموی را حاکم کرد (هدایت‌پناه، ۱۳۸۹: ۴۱). در دوره حکومت معاویه، هواداران امویان قوی‌ترین گروه اجتماعی در کوفه بودند (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۵۷۸). این گروه به دنبال شدت گرفتن نامه‌های کوفیان به امام حسین (ع) در فهرست نامه‌نگاران قرار گرفتند (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸).

تفکر اموی، از حقد و کینه نسبت به آل علی (علیهم‌السلام) سرشار، و همواره به دنبال انتقام بدر و خیبر بود. جنگ‌هایی که دلاوری‌های علی (ع) و شکست و سرافکنندگی آل ابوسفیان را در پی داشت. کربلا، فرصتی طلایی برای بروز کینه امویان و انتقام آن‌ها از اهل بیت (ع) بود.

محمود خان صبا جلوه این کینه را در آتش زدن خیمه‌ها، بیان می‌دارد:

چون اهل کوفه دامن کین بر میان زدند دامن بر آتش غم خلق جهان زدند
در خیمه‌اش به کینه زدند آتشی چنان کزاو شرر به خرمن هفت آسمان زدند
(آذر، ۱۳۸۸: ۳۲۷)

در شعر شاعران عرب زبان عصر عباسی نیز، به این مسأله اشاره شده است. سید مرتضی این کینه‌ها را چنین توصیف می‌کند:

و ضغن شغافٍ هبَّ بعد رقاده و أفئدة ملأی یفضنَ ذحولا
(مرتضی، ۱۴۱۷: ۵۲/۳)

ترجمه: کینه‌های دیرینی که از خواب طولانی بیدار شد و دل‌هایی که در تلاطم انتقام به جوش آمد.

البته او در ابیات دیگری، به زیبایی به خیال باطل این گروه اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که هرگز آن‌ها توانایی خاموش کردن نور اسلام را نخواهند داشت:

وَ أَخَذْتُمْ عَمَّا جَرَى يَوْمَ بَدْرٍ وَ حَنِينٍ فِيمَا تَخَالُونَ ثَارَا
 حَاشَ لِلَّهِ مَا قَطَعْتُمْ فِتْيَالًا لَا وَلَا صَرْتُمْ بِذَاكَ مَصَارَا
 إِنَّ نُورَ الْإِسْلَامِ ثَاوَمَا اسْطَا عَ رَجَالٌ أَنْ يَكْسِفُوا الْأَنْوَارَا

(همان: ۲۲)

ترجمه: پیش خودتان خیال می‌کنید انتقام بدر و حنین را گرفته‌اید!... هرگز چنین نکرده‌اید و به این آرزو نرسیده‌اید! هرگز شما پیروز نخواهید شد. این همان نور اسلام است که علی‌رغم تلاش گروهی که می‌خواهند آن را از بین ببرند، باقی و جاویدان است.

۸-۱-۴. فاصله بین نظر و عمل

فاصله بین نظر و عمل، مسأله‌ای امروزی است که باید به بررسی آن پرداخت. در ساحت نظر ممکن است نظریه‌های زیادی وجود داشته باشد اما کدام یک از آن‌ها ضمانت اجرایی دارد؟

مصادق عینی این مسأله، رفتار کوفیان در حادثه عاشورا بود. مردمی که در سخن، با امام بودند اما به وقت عمل، ریزه‌خوار سفره یزیدیان شدند. مردمی که به نبوت رسول اکرم (ص)، ایمان راسخ داشتند اما نواده ایشان را به مسلخ کشیدند. صباحی بیدگلی این نکته را به روش استفهام انکاری از زبان امام حسین (ع) بیان می‌کند:

ما را گُشند و یاد کنند از نبی، مگر از امت نبی نبود عترت نبی؟

(صباحی بیدگلی، ۱۳۹۲: ۳۰۶)

وقار شیرازی نیز این چنین به اسلام آن‌ها طعنه می‌زند و مسلمان بودن این گروه را زیر سؤال می‌برد، زیرا مسلمانی به زبان نیست بلکه در عرصه عمل، مسلمان از نامسلمان متمایز می‌شود:

اسلام بین که طوف حرم می‌کنند و تیغ بر صاحب مقام و به رکن و حرم زنند
 (آذر، ۱۳۸۸: ۳۱۵)

اما نکته جالب و قابل تأمل اینکه آن‌ها شناخت کامل از حسین (ع) داشتند و محبت او را در دل داشتند و حق و باطل را می‌شناختند اما در صحنه عمل، نه تنها سکوت



نکردند بلکه روبروی امام، صف کشیدند. این فاصله بین عقیده و عمل در کوفیان را وصال شیرازی چنین بیان می‌دارد:

به نامه یار حسین و به کرده جفت یزید همه به مکرو دَعْل جفت و از مرّوت، طاق
(شیرازی، بی تا: ۲۹۹)

شریف رضی در قصیده معروف خود که به اَلْفِیْه مشهور است، چنین آورده است:

قتلوه بعد علمٍ منهم إته خامس أصحاب الکساء
(رضی، ۱۴۰۶: ۱/۴۵)

ترجمه: او (امام حسین) را کشتند در حالی که می‌دانستند که پنجمین نور آل عباس است.

۸-۱-۵. حرمت ناشناسی

در حالی که فقط پنجاه سال از رحلت پیامبر اکرم (ص) می‌گذشت و عده‌ای از کوفیان حاضر در کربلا، در زمان پیامبر حضور داشتند و در رکاب ایشان بودند، اما سخت‌ترین مصائب را بر اهل بیت ایشان وارد کردند. صباحی بیدگلی تعجب خود را از این موضوع بیان می‌کند و چنین می‌سراید:

حق نبی چگونه فراموش شد چنین؟ نگذشته است این قدر از رحلت نبی
یارب تو آگهی که رعایت کسی نکرد در حق اهل بیت نبی، حرمت نبی
(صباحی بیدگلی، ۱۳۹۲: ۳۰۶)

با اینکه می‌دانستند این شخص پیامبر (ص) بود که آن‌ها و خویشان آن‌ها را از جاهلیت نجات داد و به صحنه ایمان و اعتقاد به خدا کشاند اما اجر رسالت پیامبر، کشتن عزیزترین فرزند او شد.

علی بن احمد جرجانی در همین رابطه، از قول پیامبر (ص) چنین آورده است:

ألم أجرکم وأنتم فی ضلالتکم علی شفا حفرة من حرنیران
ألم أوّلف قلوباً منکم فرقاً مشارة بین أحقاد وأضغان

(شبر، ۱۴۰۹: ۲/۱۳۰)

ترجمه: آیا شما را هدایت نکردم در حالی که در گمراهی بودید و در حفره‌های آتش جا داشتید؟ آیا بین قلب‌هایتان الفت ایجاد نکردم در حالی که فرقه فرقه و پراز حقد و

کینه بودید؟

سید مرتضی نیز با نگاهی مشابه، خطاب به امت گمراه و قدرشناس
چنین می گوید:

وَمَنْ أَعَزَّكُمْ بَعْدَ الْخَمُولِ وَمَنْ أَدْنَاكُمْ مِنْ أَمَانٍ بَعْدَ تَبْعِيدِ؟
لَوْلَاهُمْ كُنْتُمْ لَحْمًا لَمْزْدَرِدٍ أَوْ خُلَّةً لِقَصِيرِ الْبَاعِ مَعْصُودِ

(مرتضی، ۱۴۱۷: ۴۰۴)

ترجمه: وقتی سست شدید، چه کسی عزتتان داد وقتی از هم دور شدید چه کسی شما
را به هم نزدیک کرد؟ اگر آن‌ها (پیامبر و اهل بیت) نبودند، خوراک خوردگان و هم نشین
ضعیفان و بی اراده‌ها بودید.

وصال شیرازی نیز قدرشناسی کوفیان را مورد عتاب قرار می دهد و چنین
بیان می کند:

کسی کارد ز حق پیغام، بهرامت گمره ز امت کی بود فرزند گشتن، مزد پیغامش؟
(آذر، ۱۳۸۸: ۲۲۶)

۸-۱-۶. نفاق و دورویی

ویژگی دیگر کوفیان که البته شامل همه نمی شد، بلکه سران، نقشه پردازان و عده
خاصی از آن‌ها را در برمی گرفت، نفاق بود که بسیار قابل توجه است. نفاق، یکی از
خطراتی است که در هر زمانی می تواند جامعه را دچار بحران کند.

در جریان رویارویی با امام حسین (ع)، عده ای از مردم را به نام دین به کربلا کشانده
بودند. عمر بن سعد لشکر خود را «خیل الله» می نامید (مفید، ۱۳۸۷: ۱۶۲). آن‌ها مصداق
«الله اکبر» را کشتند و «الله اکبر» گفتند که این همان نتیجه نفاق آگاهانه و عالمانه سران، و
دنباله روی ناآگاهانه و جاهلانه عوام بود.

مهیار دیلمی (شاعر عرب عصر عباسی) با استخدام صنعت استعاره، از نفاق
کوفیان می گوید:

فطاروا له حاملين النفاق بأجنحة غشها في الحفيف

(دیلمی، بی تا: ۲۶۲/۲)



ترجمه: با بال نفاق به سویس پرواز کردند که زیر آن بال‌ها مکر و حيله نهفته بود.
محمود خان صبا، نهادینه شدن نفاق در وجود سران کوفی و جلوۀ بیرونی آن را چنین بیان می‌کند:

بود از نفاق چون که سرشت و گفتی که نیست نام پیمبریه
(آذر، ۱۳۸۸: ۳۲۷)

و دعبل خزاعی (شاعر ولایی عصر عباسی) نمایان‌ترین جلوۀ نفاق، یعنی ظاهر سازی را به تصویر می‌کشد:

لقد لاینوه فی المقال و اضمروا قلوباً علی الأحقاد منطویات
(الدجیلی، ۱۹۸۹م: ۱۴۲)

ترجمه: در گفتگو با او نرمی کردند و عداوت را در دل‌هایی که کینه در آن‌ها پیچیده بود، پنهان داشتند.

۲-۸. ناهمانندی‌ها

در این بخش، به بررسی ناهمانندی‌های شاعران عرب عصر عباسی و شاعران فارسی‌زبان دوره بازگشت ادبی، در باب ویژگی‌های کوفیان و نقش آن‌ها در بروز واقعه کربلا می‌پردازیم:

۱-۲-۸. فارسی‌زبانان دوره بازگشت، بیش از شاعران عصر عباسی از آرایه‌ها و صنایع ادبی همچون استعاره، مراعات نظیر، ایهام، جناس و... استفاده کرده‌اند که این مسأله در اشعار وصال شیرازی بیش از سایر شاعران فارسی مشهود است.

وی در بیان کینه‌توزی کوفیان - که آغازش در کوفه و ماجرای شهادت مسلم بن عقیل به تصویر کشیده شد - با استفاده از صنعت ایهام تناسب، چنین بیان می‌دارد که برای انتقام از خون کافر، خون مسلم را ریختند که همان‌طور که مشخص است، در اینجا منظور از مسلم، هم شخص مسلم بن عقیل است و هم به معنای مسلمان است:

بهای خون کافر، خون مسلم شد شگفتی بین

جراحت‌های ناسور اُحد در کوفه مرهم شد

(آذر، ۱۳۸۸: ۲۲۵)

او در جای دیگر، چقدر ظریف به این نکته اشاره می‌کند که وفای کوفیان، بیش از جفای بنی‌امیه، جان اهل بیت پیامبر را سوزاند؛ زیرا حقد و کینه بنی‌امیه بارز و مشهود بود اما کوفیانی که ابتدا دست یاری برابر امام حسین (ع) دراز کرده بودند، به ناگاه عهد خود را شکستند و بزرگ‌ترین درد را بر اهل بیت وارد کردند:

زینب زد لنوازی ایشان جگر گداخت دردی که از جفا نکشید، از وفا کشید
(همان: ۲۶۰)

در این بیت، وصال از جناس ناقص استفاده می‌کند. شاعر با اینکه می‌تواند در اینجا به جای «جفا» از واژه‌هایی همچون «ستم» یا «بلا» استفاده کند اما واژه‌ای را به کار می‌برد که بتواند منظور خود را از طریق هم‌نشینی کلمات و قرابت موسیقایی این دواژه بیان کند. در بیت دیگری، وصال شیرازی با استفاده از مراعات نظیری که در دواژه «آب» و «نان» وجود دارد به دنیا طلبی شخصیت عمر بن سعد می‌پردازد:

آب فرات بست بر اولاد مصطفی از بهر نان ری، پسر سعد شوم بخت
(همان: ۲۴۲)

محمود خان صبا نیز شمشیر کوفیان را به داس تشبیه می‌کند که گل‌های باغ رسالت را چیده است:

از داس کوفیان جفای پشه شد تهی باغ نبی ز لاله و شمشاد و یاسمین
(همان: ۳۲۶)

۸-۲-۲. از دیگر تفاوت‌ها این است که در اشعار شاعران عرب، تعابیری دیده می‌شود که دارای بار معنایی منحصر به فردی هستند؛ به عبارت دیگر واژه‌هایی استفاده شده است که به شعر و مقصود شاعر، عمق بخشیده است و فهم آن را نیازمند دقت نظر بیشتری کرده است و مشخص است که شاعر در بیان این تعابیر، هدفی را دنبال کرده و به کلمه کلمه شعر خود دقت داشته است. برای فهم دقیق این مطلب، نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم.

سید مرتضی در باب بی‌وفایی و بدعهدی کوفیان چنین آورده است:

أمن بعد أن أعطيتموه عهدكم خفافاً إلى تلک العهود عجولاً
رجعتم عن القصد المبين تناكصاً وحلتم عن الحق المنير حؤولاً

(مرتضی، ۱۴۱۷: ۵۲/۳)

ترجمه: پیمان خود را استوار کردید اما پس از آن، به عهد خود پشت نمودید و از راه حق، کناره گرفتید.

در بیت دوم، از پیمان بستن با امام، با تعبیر «قصد مبین» یاد شده است. گویا سید مرتضی، امام حسین (ع) و بیعت با او را همچون راه روشن و خورشید تابانی می‌داند که «تناکص» یا روی گرداندن از او، آسیبی به این خورشید وارد نمی‌کند، بلکه ضرر و زیان آن را، خود روی گردانان (کوفیان) می‌بینند. شاعر در اینجا در عین اینکه از بی‌وفایی کوفیان می‌گوید، می‌خواهد مقام و مرتبت امام را نیز بیان کند.

علی بن حماد عبدي اشاره به نامه نگاری کوفیان به امام دارد و بیان می‌دارد که در آن نامه‌ها حقد و کینه خود را پنهان داشتند:

فقد كانوا خداعاً كاتبوه بكتبٍ شرحها عجب عجيب
ولكن أضمرُوا بغضاً وحقداً ضغائن في الصدور لها لهيب

(شبر، ۱۴۰۹: ۱۹۵)

ترجمه: با خدعه و نیرنگ، نامه نوشتند اما آتش بغض و کینه‌ای را که در سینه داشتند پنهان کردند.

با دقت نظر در کلمات به کاررفته در بیت دوم، مشاهده می‌شود که شاعر از سه واژه «بغض» و «حقد» و «ضغائن» (جمع ضغينة) استفاده کرده است که با وجود اینکه هر سه واژه، معنای واحدی دارند اما داری قلت و شدت هستند. بغض، یک امر نفسانی و درونی است که انجام کار دشمنانه، شرط آن نیست (مصطفوی، ۱۳۸۸: ۳۳۱)؛ یعنی ممکن است فردی نسبت به فرد دیگر در درون، بغض و کینه داشته باشد اما در صدد ضربه زدن به آن فرد نباشد. حقد، به کینه‌ای گفته می‌شود که فرد، منتظر فرصتی برای انتقام باشد. ضغائن نیز به معنای کینه‌های ریشه‌دار و عمیق است (حسن

زیات و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۴۱). گویا شاعر با به کارگیری انواع کلماتی که بر معنای کینه دلالت می‌کند، می‌خواهد شدت کینه این گروه، نسبت به امام (ع) را به تصویر بکشد. در واقع تعدد واژگان برای بیان یک معنای واحد، نشان‌دهنده قوت وجود آن معنا شده است.

شریف رضی نیز در قصیده معروف خود که به اَلْفِیْه مشهور است، چنین آورده است:

حَمَلُوا رَأْسًا یَصْلُونَ عَلٰی جَدِّهِ الْاَكْرَمِ طَوْعًا وَّ اِیْبًا

(رضی، ۱۴۰۶: ۱/۴۶)

ترجمه: سری را به نیزه زدند که - چه با اشتیاق چه با اکراه - بر جلدش صلوات می‌فرستادند.

در این بیت، سید رضی به نکته قابل تأملی اشاره می‌کند. او با به کار بردن قید «طوعاً و اِیْباً» می‌خواهد بگوید اگرچه این‌ها اَمّت پیامبر بودند اما برخی از اینان از همان ابتدا، گمراه بودند و با اکراه و اجبار، اسلام را پذیرفتند و واقعه کربلا موجب شد این گروه چهره واقعی خود را نشان دهند.

۸-۲-۳. شاعران عصر عباسی با زبانی تند و صریح از رذایل کوفیان سروده‌اند؛ در حالی که شاعران دوره بازگشت، بیشتر با تعریض و کنایه سخن گفته‌اند و چه بسا زبان تعریض و بیان کنایی، تأثیرگذارتر و دل‌چسب‌تر باشد.

به عنوان نمونه، علی بن احمد جرجانی درباره روز محشر و خطاب رسول الله (ص) به ظالمان اموی چنین با زبان تند و صریح می‌سراید:

یَقُولُ یَا اُمَّةَ حَقَّ الضَّلَالِ بِهَا فَاسْتَبَدَلْتَ لِلْعَمٰی کُفْرًا بِاِیْمَانِ

(شیر، ۱۴۰۹: ۲/۱۳۰)

ترجمه: (پیامبر) می‌گوید: ای امتی که دور گمراهی و ضلالت جمع شدید و از سر کوری و نابینایی، کفر را به ایمان بدل کردید.

اما صباحی بیدگلی با کنایه و تعریض اشاره دارد به اینکه کوفیانی که دم از وفا می‌زدند، آن قدر بی‌حیا شدند که از کرده خود پشیمان نبودند و حتی هنوز هم دم از دین و دیانت می‌زدند:

با این جفانی اند پشیمان، وفا نگر با این خطا زنند دم از دین، حیا ببین
(صباحی بیدگلی، ۱۳۹۲: ۳۱۰)
محمود خان صبا نیز با چنین بیانی به نمک‌شناسی و حرمت‌شکنی کوفیان اشاره
دارد و می‌گوید:

دادند اجر و مزد نبی را به تیغ تیز کردند خوش تلافی احسان مصطفی
(آذر، ۱۳۸۸: ۳۲۸)

مشاهده می‌شود که شاعر، با بیان طعنه‌آمیز و کنایه‌ی به حرمت‌شناسی کوفیان اشاره
دارد و با این مضمون که «چقدر خوب نیکی پیامبر را جواب دادند» به تعریض درباره‌ی
رفتار کوفیان سخن می‌گوید.

نتیجه‌گیری

شاعران عصر عباسی و دوره‌ی بازگشت ادبی، همواره در اشعار خود به مذمت اهل کوفه
پرداخته‌اند و با صفات رذیله و تعابیر طعنه‌آمیز از آن‌ها یاد کرده‌اند. آن‌ها کوفیان را مردمی
دنیاپرست، سست‌پیمان و فریبکار معرفی کرده‌اند و از نفاق این گروه و کینه‌توزی‌ها و
بی‌وفایی‌های آن‌ها سروده‌اند.

از وجوه مشترک شعر دو دوره‌ی عباسی و بازگشت ادبی، آن است که هردو، کوفیان را از
عوامل اصلی شکل‌گیری واقعه‌ی عاشورا و شهادت امام حسین (ع) می‌دانند. شاعران هردو
دوره، با ذم و ویژگی‌های کوفیان، در واقع به ذم تفکراموی و عثمانی و دفاع از تفکر حسینی و
عاشورایی پرداختند.

از تفاوت‌های شعر این دو دوره نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که فارسی‌زبانان دوره‌ی
بازگشت، بیش از شاعران عصر عباسی از آرایه‌ها و صنایع ادبی همچون استعاره،
مراعات نظیر، ایهام و... استفاده کرده‌اند.

از دیگر تفاوت‌ها این است که در اشعار شاعران عرب، تعابیر خاصی دیده می‌شود و
مشخص است که آن‌ها در بیان این تعابیر، هدفی را دنبال کرده‌اند و به کلمه کلمه شعر
خود دقت داشته‌اند.

عرب زبانان عصر عباسی با زبانی تند و صریح از ردایل کوفیان سروده‌اند؛ در حالی که شاعران دوره بازگشت، بیشتر با تعریض و کنایه سخن گفته‌اند و البته چه بسا زبان تعریض و بیان طعنه‌آمیز، تأثیرگذارتر و دل‌چسب‌تر باشد.



منابع:

- قرآن کریم؛
- نهج البلاغه؛
- آذر، اسماعیل. (۱۳۸۸ش). شکوه عشق (تاریخ و شعر عاشورا)، تهران: نشر سخن؛
- آرین پور، یحیی. (۱۳۷۹ش). از صبا تا نیما، تهران: انتشارات زوار، چاپ ۷؛
- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۳۶ش). «نیما مردی بود مردستان»، مجله اندیشه و هنر، شماره ۹، صص ۶۵۲-۶۷۴؛
- افتخاریان دامغانی، سیدجواد. (۱۳۴۳ش). حسین (ع) مظهر آزادگی، تهران: انتشارات جاویدان؛
- پیشوایی. مهدی. (۱۳۸۹ش). مقتل جامع سیدالشهدا، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).
- حبیبی، فاطمه. (۱۳۸۹ش). کوفه و تحولات تاریخی دوران امام علی و حسنین، تهران: برهان دانش؛
- حسن زیات و دیگران. (۱۳۸۳ش). المعجم الوسیط، تهران: انتشارات پروهان؛
- خاتمی، احمد. (۱۳۷۴ش). پژوهشی در نظم و نثر دوره بازگشت ادبی، تهران: نشر پایا، چاپ اول؛
- دجیلی، عمران. (۱۹۸۹م). دیوان دعبل خزاعی، بیروت: دارالکتب اللبنانیه، الطبعة الثالثة؛
- دیلمی، مهیار. (۱۳۴۴ق)، دیوان مهیار الدیلمی، قاهره: دارالکتب المصریه، الطبعة الأولى.
- الحمدانی، ابوفراس. (۱۴۲۰ق). دیوان ابوفراس الحمدانی، شرح دکتر خلیل الدویهی، بیروت: دارالکتب العربی، الطبعة الرابعة؛
- فراهانی، ادیب الممالک. (۱۳۵۴ش). دیوان ادیب الممالک فراهانی، به تصحیح وحید دستگردی، تهران: انتشارات فروغی؛

- رضی، شریف. (۱۴۰۶ق). *دیوان الشریف الرضی*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی؛
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۲ش). *نقد ادبی*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ۵؛
- شبر، جواد. (۱۴۰۹ق). *أدب الطف أو شعراء الحسين*، بیروت: دارالمرتضی؛
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰ش). *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*، تهران: نشر سخن، چاپ دوم؛
- شمس الدین، محمد مهدی. (۲۰۰۸م). *واقعة كربلا فی وجدان الشعبیة*، دارالکتاب الإسلامية، الطبعة الثانية؛
- صباحی بیدگلی، سلیمان. (۱۳۹۲ش). *دیوان صباحی بیدگلی*، مصحح: عبدالله مسعودی آرائی، تهران: انتشارات اسوه؛
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۳۵۷ق). *تاریخ الأمم والملوک*، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: روائع التراث الإسلامية؛
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی. (۱۳۷۶ش). *تهذیب الأحکام*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق؛
- عبود، عبده. (۱۹۹۹م). *الأدب المقارن مشکلات وآفاق*، دمشق: اتحاد الکتاب العرب؛
- العشاش، الطیب. (۱۴۰۱ق). *دیوان منصور النمری*، دمشق: دارالمعارف الطباعة؛
- علوش، سعید. (۱۹۸۷م). *مدارس الأدب المقارن*، القاهرة: المركز الثقافی العربی؛
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۷۴ش). *نفس المهموم*، تهران: کتابفروشی اسلامیة؛
- محجوب، محمد جعفر. (۱۳۴۰ش). *دیوان سروش اصفهانی*، تهران: انتشارات امیرکبیر؛
- مرتضی، شریف. (۱۴۱۷ق). *دیوان شریف مرتضی*، شرح د. محمد التونجی، بیروت: دارالجبیل؛
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۸ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ ۳؛
- مفید، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری. (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، تحقیق: مؤسسه آل البيت قم، المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید؛

- مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری. (۱۳۸۷ق). مقتل مفید، ترجمه سید علیرضا جعفری، قم: انتشارات نبوغ، چاپ دوم؛
- مؤتمن، زین العابدین. (۱۳۷۲ش). تحول شعر فارسی، تهران: انتشارات طهوری؛
- هدایت پناه، محمدرضا. (۱۳۸۹ش). بازناب تفکر عثمانی در واقعه کربلا، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم؛
- یزدی، عباس. (۱۳۹۴ش). گزیده دیوان وصال شیرازی، تهران: انتشارات فرهنگ دانشجو.